

بقلم: آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

## سیر حکمت و عرفان در ایران باستان

(۳۰)

سپس رسول اکرم ص بسوی گروه سوم متوجه گشت ، فرمود :  
شما جمعیت مسلمانان را بخودتان می‌سنجید ! ! گمان می‌کنید که سجده  
کردن در برابر خانه کعبه مانند سجده کردن شما باین بتها است ؟ ! ولی شما سخت  
در اشتباه و گمراهی هستید ! زیرا ما عقیده داریم که :

خدائی داریم ، ما بندگان او هستیم ، وظیفه هر بنده و مخلوقی این است که  
پیوسته از فرمانهای پروردگار خود اطاعت و رزیده در برابر امرها ، نهی‌های پروردگار  
تسلیم باشد .

« پلینوس مورخ رومی (۷۹ میلادی) نوشته است که در معبد شوش ، بت ناهید  
از طلا ساخته بودند ، این بت در گیرودار جنگی که میان انتونیوس و اشک پانزدهم  
واقع شد بتاراج رفت یقیناً غارت کننده آن انتونیوس نبود زیرا که او برشمال ایران  
لشکر کشید و شوش در جنوب میباشد . »

(ایران نامه جلد سوم)

آری ما باید در همه کارها ، رفتارها ، خوشنودی و رضایت خدای بزرگ را  
در نظر بیاوریم . برطبق میل و اراده و درخواست او کارها را انجام دهیم ، ما باید  
مقید بوده ، کارهای خودمان را مطابق تمام خصوصیت‌ها ، شرطها ، بندهائی که از  
فرمان الهی دریافت شده است قرار بدهیم .

ما نمی‌توانیم از حدود مقرراتی که داریم بیرون رویم ، بنا بر میل و فهم و تشخیص  
خود وظیفه‌هایی که معین شده تصرف نمائیم .

« لنگک بعقیده پیروان مذهب شیوا در هند قوه تولید است که آن را بصورت آلت تناسل مرد از سنگی تراشیده و در بتخانه می گذارند و اکثر اوقات اعضای نهانی زن نیز همراه آن است و نشان میدهد از این دو جانداران پدید میشوند ، این عقیده ، خدا میداند بچه صورت در جنوب جزیره نمای عرب نیز پیدا شده بود و مردم حضرت موم و اطراف آن سوگندشان « ن کرالله » بود که بمفهوم قوه تولید الله می شود . »

(ایران نامه تألیف عباس مهرین شوشتری جلد سوم)

بنابراین در صورتیکه وظیفه مخصوص از سوی پروردگار برای ما مقرر شد : ما نمی توانیم در مقام انجام دادن این وظیفه ، خصوصیت ها ، بندهای آنرا طرح کرده یا جور دیگر آن کار را بجا آوریم !!  
زیرا همین جوری که آن کار با آن خصوصیت های مقرر پسندیده است ، جور دیگر آن ممکن است ، در سخت ترین درجه کراهت یا حرام باشد ! هیچگونه تصرفی در کار آن اجازه نداریم .

« بنا بر عقیده نویسندگان مغرب زمین . بت آپولو که سازنده آن شخصی بنام کانا کوس بود ، یکی از شاهان هخامنشی بایران آورد و در همدان گذاشت و سلو کوس آنرا دوباره به برانکده فرستاد . هرودت نوشته است که ایرانیان پرستش « اورانیا » را از آشوریها آموختند و آنرا آشوری « هلیتا » و ایرانی متهرا « مهر » گویند و مقصود هردت از مهر در حقیقت ناهید بود . »

(ایران نامه جلد سوم تألیف پرفسور عباس شوشتری مهرین)

آری ما از امر و نهی پروردگار جهان پیروی می کنیم ، چون فرمود هنگام ستایش و نیایش بسوی کعبه متوجه بشویم .  
ما هم از فرمان او اطاعت می نماییم ، از حدود امر او بیرون نمیرویم . ولی

شما بخیال خودتان صورت آدم را درست کردید ، در برابر آن صورت سجده و فروتنی می کنید . در صورتیکه خداوند بزرگ سجده را بخود آدم لازم نموده بود نه بچهره او ، گذشته از اینها ، این تکلیفها درباره ملائکه بود نه بنی آدم .

« بروسوس مورخ کلدانی که در قرن سوم پیش از میلاد میزیست ، هم زمان شاهان اواخر دوره هخامنشی بود ، از او کلمنت الکساندریتوس ( ۲۲۰ میلادی ) نقل می کند که اردشیر دوم نخست پادشاه هخامنشی بود که در معبد آفرودیت ، یعنی ناهید بت آن ایزد را گذاشت . کتیبه‌هایی که درشوش از او پیداشده این روایت را تأیید می کند . »

( ایران نامه جلد سوم تألیف عباس شوشتری مهرین )

بنابر این شما چگونه می‌توانید رضایت و موافقت خدا را در این باره ثابت کنید! معجز بودن خودتان را از سوی پروردگار جهان چگونه درین کار میدانید ؟ ! آیا می‌توانید این چهره‌هایی که درست کرده‌اید بوجود حضرت آدم بسنجید ؟ ! از کجا اطمینان پیدا نمودید که خداوند از این کار شما ناراضی نیست .

« از چه زمانی در معابد ایران بت گذاشتند ، معین نشده ، بنا بر گفته مورخان یونان شهنشاه خشایارشا بتهای ایزدان یونان را با ایران آورد ، اسکندر آنها را به یونان برگردانید ، محقق نشده که نقل بتها از یونان بنظر پسندیدگی یا تحقیر یا برای آرایش کاخ و بوستانهای شاهی بود ؟ ! شکی نیست که خشایار شاه از بت پرستی سخت انکار داشت !

از این رو باید به نظر تحقیر آورده باشد ، در این عقیده ، خشایار شاه هم مانند

اسفندیار شاهنامه است ، چنانکه فردوسی می‌فرماید :

گرفتند از او راه و آئین اوی

چو آگه شدند از نکودین اوی

بجای بت آتش برافروختند

بتان از سرگاه می‌سوختند

همه نامه کردند زی شهریار که ما دین گرفتیم ز اسفندیار  
گرفتیم این کیش و بشکست باز ره بت پرستی یسل سرفراز  
(ایران نامه جلد سوم تألیف پرفسور عباس مهرین شوشتری)

سپس فرمود :

اگر کسی شمارا در روز معینی بخانه خود دعوت نمود ؛ آیا می توانید دعوت  
اورا قبول نمائید؟! در روز دیگر و یا بخانه دیگر او بروید؟!  
یا اگر کسی جامه‌ئی یا بنده مملوکی ، یا جانوری را بشما بخشید ، آیا شما  
می توانید بجای آنها در لباس دیگر یا غلام و کنیز دیگر اورا بملکیت خود در آورده و  
تصرف نمائید؟!

گفتند البته نمی توانیم!! زیرا روشن نیست که در بخش دوم هم اجازه داشتیم!  
حضرت محمد ص فرمود :

آیا در برابر اطاعت امر و تحصیل رضایت و اجازه پروردگار جهان ، مردم  
دیگر ، کدام يك مقدم است؟! آیا تصرف کردن بدون اجازه در امور پروردگار  
بزرگ زشت تر و بدتر است؟! یا در امور مردم دیگر که بندگان خدا هستند؟! آیا  
شما در مورد سجده باین بتها از سوی پروردگار مأمور و مجاز هستید؟!  
گروه بت پرستان خاموش شدند ، گفتند ما در این باره لازم است فکر  
تازه ای بکنیم .

آدمی گرچه بسبب جسمانیت در غایت کثافت است اما بسبب  
روحانیت در نهایت لطافت است بهره روی آرد حکم آن گیرد و بهره  
توجه کند رنگ آن پذیرد .

(جامی)